
نشانه - معناشناسی دیداری

نظریه و تحلیل گفتمان هنری

حمیدرضا شعیری

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس



انتشارات سخن

سرشناسه	: شعیری، حمیدرضا، ۱۳۴۵ -
هتوان و نام‌پدیدآور	: نشانه - معناشناسی دیداری: نظریه و تحلیل گفتمان هنری / حمیدرضا شعیری.
مشخصات نشر	: تهران: سخن، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۰ ص.
فروست	: نظریه‌های و نقدهای ادبی - هنری؛ ۳.
شابک	: ۰ - ۹۲۷ - ۳۷۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
موضوع	: نشانه‌شناسی
موضوع	: ارتباط دیداری
موضوع	: نشانه‌شناسی و هنر
موضوع	: معنی‌شناسی
موضوع	: ادراک بصری
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ۵۵ ۶۷/ش/P99
رده‌بندی دیویی	: ۳۰۱/۲۱:
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۰۲۴۴۲۱:



انتشارات سخن
خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه،
خیابان وحدت نظری شماره ۴۸
فکس ۶۶۴۶۳۰۷۵
www.sokhanpub.com
Email: info@sokhanpub.com

نشانه - معناشناسی دیداری

نظریه و تحلیل گفتمان هنری

تألیف: دکتر حمیدرضا شمیری

نظریه‌ها و نقدهای ادبی - هنری ۳

زیر نظر دکتر بهمن نامور مطلق

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: دایره سفید

چاپ اول: ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۶۵۰ نسخه

شابک ۰ - ۶۲۷ - ۳۷۲ - ۹۶۲ - ۹۷۸

مرکز بخش: خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه تهران، شماره ۱۲۲۴

تلفن: ۶۶۴۶۵۹۷۰ - ۶۶۴۶۰۶۶۷

فهرست

۹	مقدمه
۱۷	مسأله پژوهش
۲۱	فصل اول: مبانی نشانه‌شناسی دیداری
۲۳	پیشینه پژوهش
۳۶	شابهت‌ها و تفاوت‌ها
۳۷	رابطه فعالیت حسی - ادراکی با عرصه
۴۰	دو نوع موضع‌گیری در مورد نشانه‌ها
۴۱	معنای فیزیکی و غیر فیزیکی
۴۲	از احساس ادراک تا شناخت
۴۳	مجموعه
۴۴	خط
۴۵	نوع
۴۶	کل و جز
۴۸	شکل‌گردانی و ارجاع
۵۰	شبهات و ارجاع
۵۱	نشانه فرهنگی شده
۵۲	الگوی مطالعه اشکال ارجاعی
۵۶	امپریالیسم زبانی یا نشانه‌ای
۶۱	مجموعه، زیر مجموعه، فرامجموعه
۶۱	فرامجموعه
۶۲	شناسگر و شناسه
۶۲	نشانگر
۶۳	تفاوت نشانگر با واحد
۶۳	رابطه‌های استعمالی
۶۵	اشکال غیر ارجاعی
۶۷	دالهای گونه‌های شکل‌گردانی
۶۸	نظام مدلولی گونه‌های تصویری
۶۹	مدلولهای تثبیت شده
۶۹	مدلولهای هم‌معنای نشانه‌های ارجاعی - تصویری
۷۰	مدلولهای فراتصویری

۷۰	فصل دوم: مبانی نشانه-معناشناسی دیداری
۷۵	مطالعه بافتار در نظامهای دیداری
۷۵	ریتم
۷۶	فشاره/گستره
۷۹	حضور/غیاب
۸۰	مرکزگرایی/مرکززدایی
۸۰	وحدت/کثرت
۸۰	کاهش/افزودگی
۸۱	جز/کل
۸۵	مطالعه صورت بیان در نظامهای دیداری
۸۷	ابعاد
۹۰	جهت
۹۲	نظام رمزگانی با قدرت بالا
۹۷	نظام رمزگانی با قدرت پایین و ضعیف
۱۰۱	فصل سوم: نشانه-معناشناسی دیداری: نشانه و کاربرد
۱۰۳	۱. مطالعه خط و حجم در نظامهای دیداری
۱۰۷	نظام غیر خطی، حجمی یا پیکتورال
۱۱۳	متن آراسته
۱۱۸	سرعت، حرکت، جابجایی
۱۲۱	تندگی و تنش
۱۲۴	۲. کنش نوشتاری: خوشنویسی
۱۲۶	ترکیب رسانه‌ها در خوشنویسی
۱۲۸	۳. رابطه متن با تصویر
۱۳۲	رابطه هم‌پوشانی، رابطه تقدم/تاخر، رابطه مبدأ/مقصد، رابطه جز/کل، رابطه فضایی/زمانی
۱۳۵	حضور زمان در تصویر
۱۳۹	۴. بررسی عکس از دیدگاه نشانه - معنایی
۱۴۳	ویژگی‌های نشانه-معناشناختی عکس
۱۴۴	کارکرد حسی - ادراکی تصویر
۱۴۵	ویژگی‌های فضا در نظام دیداری
۱۴۶	عکس: واقعیت یا رد بجا مانده از واقعیت؟

۱۴۸	کارکرد ارجاعی عکس
۱۴۹	رخداد حرکتی عکس
۱۵۱	رابطه بین حرکت و حیات در عکس
۱۵۲	گفتمان و تفویض گفتمانی در عکس
۱۵۴	تحلیل عکس‌های پیرا جنگ
۱۵۴	هم‌آیی حسی
۱۶۰	عکس توارمی
۱۶۶	۵. ویژگی‌های ارتباطی کارت پستال
۱۶۷	زمان در کارت پستال
۱۶۸	کارکرد گفتمانی کارت پستال
۱۶۸	کارکرد ارجاعی و اسنادی: تصویر و کلام
۱۶۸	چند موقعیتی بودن کارت پستال
۱۷۰	زاویه دید در کارت پستال‌های تاریخی
۱۷۱	زاویه دید برون گرا و درون گرا
۱۷۴	زاویه دید انصالی و درون گرا
۱۷۵	زاویه دید تواتری
۱۷۹	۶. بررسی کارکرد جسم، جسمانه و تراجسمانه در گفتمان
۱۸۰	جایگاه جسم در نظام‌های نشانه‌ای
۱۸۶	نظام نشانه - معناشناختی گفتمان هنری ظروف جیرفت
۱۹۸	۷. آیکون، هایپرایکون و هایپوآیکون
۱۹۹	آیکون: پیرس و سترهای کانتی
۲۰۴	سیالیت آیکون
۲۰۷	از آیکون تا نماد
۲۰۹	هایپوآیکون
۲۱۰	هایپر آیکون
۲۱۲	از آیکون تا هایپرآیکون
۲۱۷	داستان زاغ و روباه و فرایند آیکونیک زاغ
۲۱۹	۸ حضور فضا و مکان در کنش گفتمانی
۲۱۹	مکان - شبکه
۲۲۴	مکان‌های پیوستاری با قابلیت تبدیل به مکان کاربردی
۲۲۷	مکان‌های حلزونی یا اسپیرال با ویژگی گردبادی
۲۳۰	مکان‌های استعلایی

۲۳۲	 مکان و هویت
۲۳۶	 نوع‌شناسی مکان
۲۳۸	 مکان - بودگی و مکان - شدگی (مکان شوشی)
۲۴۱	 فضا شدگی مکان/مکان شدگی فضا (نه - فضانه - مکان)
۲۴۳	 مکان درایی (بازپردازی شده)
۲۴۴	 مکان پدیداری: فرآیند حسی - ادراکی مکان
۲۴۷	 شکستگی مکانی و عبور به فضای سیال
۲۶۰	 ۹. کاریکاتور و فرآیند مفهوم‌سازی
۲۶۸	 ۱۰. پادگفتمان
۲۷۳	 ویژگی‌های پادگفتمانی گفتمان‌های دیداری
۲۷۳	 پاد مبتنی بر شبیه‌سازی ارجاعی
۲۷۵	 پاد مبتنی بر ارزش
۲۷۷	 پاد مبتنی بر بن‌مایه دینی
۲۷۹	 پاد مبتنی بر احیای کنش‌گر
۲۸۱	 پاد مبتنی بر تفویض اختیار گفتمانی
۲۸۳	 پاد مبتنی بر کارکرد اتیک (مرامی - سلوکی)
۲۹۲	 پاد مبتنی بر رد یا اثر
۲۹۵	 پاد مبتنی بر استعلا
۲۹۹	 ۱۱. اسطوره زدایی: راهی به سوی هم‌کنشی با چیزها، با دنیا و با دیگران
۳۰۸	 ۱۲. از گفتمان تا فراگفتمان
۳۱۵	 ۱۳. کیچ چه نوع گفتمانی است
۳۲۵	 سخن پایانی
۳۲۹	 کتابنامه
۳۳۳	 واژه‌نامه

معرفت زبان همه قدرت خود را مدیون توانایی ارتباطی خود است. و این ارتباط فقط در گرو واژگان و زبان کلامی نیست. شاید تفاوت در این است که کلام فریاد آشکار است. اما تصویر فریاد خاموش است. آیا هیچ وقت از خود پرسیده‌ایم که تصویر و کلام کدام یک بر ما تأثیر بیشتری دارند؟ زبان کلامی آنچه را که ابتدا دیده می‌شود بیان می‌کند. پس کلام بیان غیر مستقیم است. تصویر بیان مستقیم آنچه که دیده می‌شود است. شاید کلام واسطه‌ای بین ما و دنیا است. اما تصویر ما را مستقیم با دنیا پیوند می‌دهد. در هر حال، چه کلام و چه تصویر تجمع دال و مدلول است که به زبان قدرت می‌بخشد و ارتباط را معنادار می‌کند. سوسور هم بر این نکته تأکید دارد که "جامعیت زبان در گرو تجمع دال و مدلول است. در بسیاری از موارد این وحدانیت دو وجهی را به وحدانیت انسان تشبیه کرده‌اند که دارای یک جسم و یک روح است. (...) حتی می‌توان این وحدانیت را با ترکیبی شیمیایی مقایسه نمود؛ به عنوان مثال آب ترکیبی از هیدروژن و اکسیژن است. اما اگر هر یک از این عناصر را جدای از هم در نظر بگیریم هیچ‌کدام به تنهایی خاصیت آب را ندارند" (Saussure, 1955: 145).

اینک اگر دال و مدلول سوسوری به شکل خطی مارپیچ بر روی صفحه‌ای سفید ظاهر گردد و بتواند بر جاده‌ای که از ما دور می‌شود و یا ماری در حال حرکت و یا طنابی رها شده دلالت کند، باز هم ارتباط و معنا شکل گرفته

است و به نحوی ما با قدرت زبان مواجهیم. اما این بار زبان دیداری است. اینک اگر به دال و مدلول سوسوری حضوری انسانی، موضع دار، هدف مند و جهت دار را بیفزاییم زبان از قالب مکانیکی خارج گشته و در فرآیندی سوپژکتیو قرار می گیرد که به دلیل تعاملی پویا با مخاطب (گفته یاب) به گفتمان تبدیل می گردد. و اگر این گفتمان از عناصر دیداری مثل خط، رنگ، نور، کادر، فضا، مکان، پرسپکتیو و ... استفاده کند گفتمانی دیداری است.

دیدگاه گفتمانی با رویکرد نشانه - معناشناختی معتقد است که تولیدات زبانی تابع فرآیندی پیچیده هستند که عوامل نشانه - معنایی بسیاری در آن دخیل است. در چنین دیدگاهی بر خلاف روش های مطالعه ساختگرایی که تولیدات زبانی را ابژه هایی بیرونی و مستقل از تولید کننده آن می دانستند، آنچه که دارای اهمیت است نوعی حضور گفتمانی است که پویا و دینامیک بودن آن همواره ما را با نوعی موضع گیری گفتمانی، بسط روابط، تعامل بین نیروهای هم سو یا هم گرا و ناهم سو یا واگرا سوق می دهد. این تنش گفتمانی سبب ایجاد فشارها و گستره هایی می گردد که گفتمان را به کنشی زنده و دارای حیات تبدیل می کند. پس در طول گفتمان است که کنش گفتمانی شکل گرفته و کنش گرگفتمانی با تولید معنا خود را بیش از پیش به ما می شناساند.

رویکرد ساخت گرایی در مطالعه تولیدات زبانی بر این نظریه بنیادی که تحلیل نشانه ای تحلیلی متکی به ذات خود است استوار بود و این اعتقاد مانع از دخالت هر خاستگاهی که ریشه ای خارجی و بیرونی نسبت به متن داشت، در تحلیل و بررسی متون می شد. به همین دلیل حضور گفتمانی با ویژگی های انسانی، پدیدارشناختی، کاربردی و زیست - تجربه ای در

مطالعات متون نادیده گرفته شدند. اما ریاضت‌هایی که جریان ساخت‌گرایی به جان خرید موجب شکل‌گیری الگوها و مدل‌های متعدد و روشی بسیار منسجم در مطالعه تولیدات زبانی شد که برای رویکردی که به ذات‌گرایی در تحلیل معتقد بود، ضروری می‌نمود. همین ریاضت سبب گردید تا حوزه مطالعات نشانه-معناها از متن کلامی صرف به همه متون دیگر اعم از تصویری، دیداری، هنری، معماری، حقوقی و غیره سرایت نماید.

با بسط حوزه‌های مطالعات نشانه‌شناختی، نیازهای جدیدی طرح شدند که مهمترین آنها نیاز به در نظر گرفتن حضور گفتمانی در تولیدات نشانه-معنایی بود. از این پس تجربه نشانه-معنایی که ویژه حضور گفتمانی است به همراه گفتمان^۱ که همان کارکرد گفتمانی تحت شرایط و فرآیندی خاص است، کنترل و نظارت بر روش مطالعه و تحلیل نشانه-معنایی را اعمال می‌کنند. به عبارت دیگر، تجربه‌های تولید زبانی که گاهی منحصر به فرد هستند در فرآیند تحلیل حضور مستقیم یافت و توسط رویکرد نشانه-معناشناختی به کار گرفته می‌شوند.

چگونه می‌توان چنین رویکردی را که موقعیت، بافت، ویژگی‌های پدیداری، شرایط هرمنوتیک، حضور انسانی و به ویژه روابط و کارکردهای فرهنگی را در تحلیل تولیدات هنری و نشانه-معناها دخیل می‌داند تبیین نمود؟ این رویکرد تابع چه شرایطی است و سبب چه تحولی در روش‌شناسی مطالعات مربوط به حوزه نشانه-معناها می‌گردد؟

در واقع، هدف از ارایه تحلیل نشانه-معناشناختی گفتمان دیداری، معرفی کلان-تحلیلی است که همه نظام‌های کوچکتر مطالعات نشانه-معنایی اعم

از کنشی، شوشی، زیست - تجربه‌ای، پدیداری، کاربردی، فرهنگی، بینامتنی، بینارسانه‌ای، بیناژانری، زیبایی‌شناختی، عاطفی، مرامی- مسلکی، رخدادی و ... را در خود جای می‌دهد. در این تحلیل، با توجه به کنش‌های گفتمانی، به بررسی ابعاد مختلف نشانه- معنایی که می‌توانند در یک گفتمان هنری تجلی یابند و فرآیند معناسازی را رقم زنند، می‌پردازیم. این ابعاد عبارتند از: بعد جانشینی، هم‌نشینی، درزمانی، همزمانی، خطی، حجمی، ارزشی، گستره‌ای، فشاره‌ای، حسی- ادراکی، فضایی - مکانی، پرسپکتیوی، پیوستاری، مرکزی، حاشیه‌ای، تقابلی، تعاملی، هم‌کنشی، سرایتی، تعلیقی، تعویقی، تجویزی، استعاره‌ای، ارجاعی، اسطرره‌ای، فرهنگی و غیره.

نگاه گفتمانی به تولیدات هنری، نه تنها به معنای تأکید بر ویژگی‌های نشانه- معنایی آثار هنری است بلکه به این معنا نیز است که این تولیدات از حضوری گفتمانی بهره‌مند هستند که همواره آنها را بازتنظیم نموده و موجب تحقق فرآیندی می‌گردد که می‌توان آن را تسهیل روابط هم‌نشینی نامید. بی‌شک، چنین تسهیلی زائیده تطابق عناصر تعاملی با یکدیگر، هم‌سویی عناصر نشانه- معنایی با شرایط و محیط پیرامون، روابط بیناگفتمانی، بینامتنی، بینارسانه‌ای و به بیان ساده‌تر تنظیم هوشمند جریان کنشی است که تولید معنا در آن وابسته به راهی است که برای خود ایجاد نموده و خود را در آن قرار می‌دهد.

اینک با توجه به همه این ویژگی‌ها و تحولات مطالعات مربوط به حوزه نشانه- معناها، تألیف کتابی که بتواند جایگاه و نقش چنین رویکردی را در تحلیل تولیدات هنری و گفتمان‌های دیداری مشخص نماید، بسیار ضروری است.

از همان زمانی که گرمس^۲ به جایگاه کنش گر گفتمانی و نقش او در تولیدات زبانی اعتراف نمود، دیگر محدودیت‌های مطالعات زبانی مربوط به دیدگاه ساختگرایی که زبان را ابژه‌ای بیش نمی‌دانست، پایان یافت. گرمس در این دیدگاه نویسنده خود به این موضوع مهم اشاره دارد که «با گفته‌پردازی، کنشی غیر زبان‌شناختی است و به این ترتیب از حوزه مطالعات نشانه‌شناختی خارج است، یا اینکه چنین کنشی به هر شکل لازمه تولید متن زبانی است و در این صورت گفته‌پردازی را می‌توان به گفته‌ای از نوع ویژه تعبیر نمود: یعنی اینکه گفته‌ای گفته‌پردازی شده دانست. چرا که می‌توانیم، گفته را ابژه گفته‌پردازی بدانیم» (Greimas, 1972: 20). این عبارت آشکار می‌سازد که هر تولید زبانی نیازمند یک سوژه در مقام گفته‌پرداز و یک ابژه که همان گفته یا متن زبانی است می‌باشد. اما گفته و گفته‌پرداز در تعامل با گفته‌یاب معنا دارند. بر این اساس، گفتمان کنشی است که به واسطه آن گفته‌پرداز و گفته با یکدیگر مرتبط می‌گردند.

اما گفتمان به دلیل پویایی و دینامیک بودن آن همواره ما را با نوعی موضع‌گیری گفتمانی، بسط روابط، تعامل بین نیروهای همسو یا همگرا و ناهمسو یا واگرا درگیر می‌کند. این تنش گفتمانی موجب ایجاد فشارها و گستره‌هایی می‌گردد که گفتمان را به کنشی زنده و دارای حیات تبدیل می‌کند. پس در طول گفتمان است که کنش گفتمانی شکل می‌گیرد و کنش گر با تولید معنا خود را بیش از پیش به ما می‌شناساند. حتی گرمس در کتاب معناشناسی ساختاری خود هم بر این نکته تأکید دارد که «دنیای انسانی دنیایی است که فقط به واسطه معنادار بودن آن قابل توصیف است.

اگر می‌توان دنیا را انسانی نامید فقط به این دلیل است که دارای معنایی است» (Greimas, 1986: 5). این دیدگاه گرمس نشان‌دهنده تفکر غیرساختاری اوست، چرا که انسان، دنیا و معنا به هم گره خورده‌اند و جریان‌ی زنده را رقم زده‌اند. و گفتمان جایگاهی است که این سه عنصر در آن تحلی می‌یابند.

دنی برتران^۳ معتقد است که «کنش‌گر گفتمانی را باید شیوه حضوری در حال شکل‌گیری دانست. حضوری همواره ناقص، قطعیت نیافته، جزئی و تغییرپذیر. حضوری که در جای جای گفتمان، به محض تحقق آن، قابل دریافت است» (Bertrand, 2000: 53). با توجه به همه این توضیحات، حضور کنش‌گری که در مبدأ گفته قرار دارد یکی از شرایط اساسی شکل‌گیری گفتمانی است. اگر گفته یا متن ابژه زبانی است، حضور هیچ ابژه‌ای بدون در نظر گرفتن کنش‌گر (سوژه) تولیدکننده آن اعتبار ندارد. پس حاصل فعالیت گفتمانی شکل‌گیری گفته‌ای است که در رأس آن گفته‌پردازی قرار دارد که همواره آن را فعال نموده، به پیش می‌برد و رد پای خود را در آن جا می‌گذارد.

گفتمان محل نزاع، تبانی، هم‌پوشی، همسویی، تفکیک، ترکیب، تقابل و تعامل نشانه‌ها با یکدیگر است. به همین دلیل گفتمان راهکارهایی را ایجاد می‌کند که راه را برای شکل‌گیری این ویژگی‌ها هموار می‌سازند. این راهکارها را می‌توان به نقش واسطه‌ای گفتمان تشبیه نمود. در واقع، برای اینکه عملیات تولید معنا بتواند به بهترین وجه ممکن تحقق یابد، باید شرایط عبور از آنچه که می‌توان آن را روستاخت یا صورتهای بیان دانست به سمت

ژرف ساخت یعنی آنچه که محتوا یا درونه‌های بیان نامیده می‌شود. فراهم گردد. چه عاملی می‌تواند ساختارهای برونه‌ای را به سوی ساختارهای درونه‌ای هدایت نماید؟ بی‌شک، گفتمان یا فعالیت گفتمانی عاملی است که این ساختارها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. این کارکرد را می‌توان به نقش واسطه‌ای گفتمان تعبیر نمود. کنش گفتمانی ساختارهای ابتدایی، اولیه و نحوی را که در حافظه زبانی ذخیره شده‌اند به ساختارهای گفتمانی (معنای و محتوایی) تغییر می‌دهد. پس کنش گر گفتمانی در تلاقی جبر نحوی با جبر معنایی قرار دارد. به عنوان مثال، در گفتمانی از نوع روایی، ساختارهای نحوی با دخالت گفتمانی، شرایط عبور به ژرف ساخت و معنا را پیدا می‌کنند. اینک باید دانست که راننده‌های گفتمانی که ما را از سطح زبانی به عمق آن هدایت می‌کنند، کدامند؟ به عنوان مثال، در گفتمانهای روایی، عواملی مانند «پرسپکتیو» (آنچه که باعث می‌شود تا در ساختاری نزاعی، روایت از منظرهای مختلف مانند دزد، پلیس، رئیس، مجرم، قاضی و ... به ما منتقل گردد)، «زاویه دید» (شعیری، ۱۳۸۵: ۸۴-۷۵) (با توجه به جایگاه، موقعیت و موضع راوی و شاهد ماجرا: زاویه دید دانای کل، جهان‌شمول، جزء نگر ...) و «حربه‌های گفتمانی» (حذف، جابه‌جایی، گستره و فشاره) تعیین کننده شکل و نوع گفتمان هستند. و در گفتمان‌هایی از نوع دیداری، خط، فاصله، حاشیه، مرکز، نور، رنگ، کادر، فضا، مکان، عمق، سطح، تفکیک، ترکیب و ... ما را با گفتمانی معنادار مواجه می‌سازند.

فعالیت‌های گفتمانی که در اینجا نقش واسطه بین اشکال منجمد و تثبیت شده زبانی و اشکال پویا، متغیر و سیال ایفا می‌کند، کنشی است که سبب تولید مکانها، زمانها و کنش گرانی جدید و در نتیجه معناهای متفاوت در زبان

می‌گردد. در داستان پیل مثنوی مولوی با توجه به گزینش پرسپکتیوی که همه چیز را از منظر دیگری به نمایش می‌گذارد، با زاویه دیدی کمی و متغیر و موضع گفتمانی انبساطی و گستره‌ای مواجهیم که با برش‌های متفاوت در شکلی واحد از گونه‌ای نشانه‌ای آن را متکثر نموده، نشانهٔ واحد را به نشانه‌ای متکثر با لایه‌های متفاوت تغییر می‌دهد. به همین دلیل است که پیل به بادبزن، تخت، ستون، ناودان و ... تبدیل می‌گردد. کارکرد واسطه‌ای گفتمان است که با دخالت در امر نشانه‌ای کارکرد آن را تغییر می‌دهد و آن را قطعه قطعه می‌کند تا علق معنایی آن را تغییر دهد. به این ترتیب نشانه‌ای بیشینه‌ای^۴ به نشانه‌ای کمینه‌ای^۵ تبدیل می‌گردد.